



چهارشنبه و... خاصه اعراب بود و اعراب بودند که برای چهارشنبه نجوست خاصی قابل بودند و برای فرار از نحسی آن بخصوص در شب چهارشنبه آرسال آتش می‌افروختند تا دفع شر و بلا شود.^(۶)

۵- گروهی جشن چهارشنبه‌سوری را با داستان سیاوش مرتبط می‌دانند و بر این پندار راسخند چهارشنبه‌سوری همان روزی است که سیاوش با اسب خود از آتش گذشت و چون بی‌گناه بود نسوخت.

فردوسی داستان گذر سیاوش را از آتش چنین می‌گوید:

که سیاوش شاهزاده پاک دامن ایرانی از جانب همسر جوان پدر خود، که سودای وصال با سیاوش را داشت، (و سیاوش از این امر امتناع کرد) متهم می‌گردد از جانب زن > به دروغ < به چشم داشت و ناپاکی.

سیاوش برای اثبات پاک دامنی حکمیت آتش را بر می‌گزیند و می‌بایست از آتش بگذرد:

سیاوش سیه را بدانسان بتاخت
تو گفستی که اسبش به آتش بساخت
ز هر سو زبانه همی بر کشید

کسی خود و اسب سیاوش ندید

ز آتش برون آمد آزاد مرد

لبان پر ز خنده به رخ همچو ورد^(۷)

بنابراین مراسم جشن چهارشنبه‌سوری یادبود گذر سیاوش از آتش است و مردم چنین روزی را جشن می‌گیرند.^(۸)

۶- اما برخی، داستان را گونه‌ای دیگر می‌پروراند و چنین می‌گویند که سیاوش در پایان سال ثابت (۱۳۰۱ ق.م) مطابق با سال ۷۱۳ تاریخ مینا که برابر روز چهارشنبه بود به دستور افراسیاب پادشاه توران کشته شد و چون در آیین زردشتی مراسم سوگواری و رثای مردگان جایز نیست پارسایان زردشتی در آخرین شب چهارشنبه پایان سال از آتش می‌گذشتند تا خاطره‌ی سیاوش به منظور دفاع از عفت و جاودان باقی بماند.^(۹)

۷- عقیده‌ی دیگر در مورد جشن چهارشنبه‌سوری مرتبط با شب یلدا است. آتش روشن کردن در چهارشنبه‌سوری در واقع نوعی کمک به گرم شدن خورشید به حساب می‌آید. در واقع جادوی گرم کردن خورشید است که با پریدن از آتش، تمام سرمای مرگ‌آور زمستان از انسان دور می‌شود و شادابی و زندگی در وی هویدا می‌گردد.

در چهارشنبه‌سوری با پریدن از روی آتش به شکل نمادین، مرگ را به زمستان می‌دهند و حیات بهاری پیدا کنند.

همان گونه که ایرانیان به صورت نمادین سبزه را سبز می‌کنند تا تحریک کنند طبیعت را به از سر گرفتن زندگی و رشد گیاهان پس چهارشنبه‌سوری هم نوعی تحریک و تشویق خورشید به گرم شدن است.^(۱۰)

۸- برخی دیگر در تعریف ریشه‌ی جشن چهارشنبه‌سوری این گونه پرداخته‌اند در اوایل امر این جشن با چهارشنبه در ارتباط نبود بلکه پس از دوره‌ی



علی نیکویی
دانشجوی کارشناسی
ارشد تاریخ ایران باستان

جستاری بر آخرین سه‌شنبه شب سال

جشن چهارشنبه سوری

۳- برخی توجیحی مذهبی بر این رسم بومی برای بقای آن نهادند و این باور را پروراندند که: پس از شهادت امام حسین (ع) مختار به خون‌خواهی امام قیام کرد و برای اعلام زمان قیام به یارانش با آتش روی باهما خبر داد. چون با این خبر قیام آغاز گردید و به پیروزی رسید این رسم از آن زمان به جای مانده است و مردم هر سال به یاد آن پیروزی، جشن می‌گیرند.^(۵)

همان گونه که ذکر شد به نظر نمی‌رسد این عوامل ریشه‌ای برای چهارشنبه‌سوری باشد و بیشتر شباهت به یک توجیح مذهبی برای یک رسم ملی می‌بوده است که نمونه‌های مشابه آن در سایر جشن‌های ملی قابل مشاهده است.

۴- پوراوود محقق برجسته‌ی معاصر که خدمات شایانی در راه معرفی فرهنگ ملی ایران و تفسیر و ترجمه اوستا نموده بر این باور بود: ایرانیان در روزگار قبل از اسلام ایام هفته را با عناوین شنبه/ یک شنبه و... نمی‌خواندند بلکه هر روز نامی بر خود داشت و متعلق به امشاسپندان و ایزدان و خدا بود و سال در نزد آنان دوازده ماه که هر ماه بی‌کم و کاست سی روز تمام بود.

به کار بردن ایام هفته چون شنبه و یکشنبه و...



ایرانیان بر این باورند که در سه‌شنبه شب آخر هر سال مراسمی را برگزار داشت می‌کنند که ریشه در اساطیر و فرهنگ ملی آنان دارد چون مهرگان/ سده/ نوروز که این جشن نیز دارای رسوم خاص خود بوده و پارسایان به آرامش، آیینی در این روز برپا می‌کردند. ولی در چند دهه‌ی اخیر به علت محدودیت‌ها و برخوردهای شدید با این جشن این آیین از یک رسم شاید تاریخی به یک نبرد خیابانی تبدیل گردیده است.

در این مقال بر آن نیستیم ریشه‌ها و علل تبدیل یک رسم را به یک کنش شدید اجتماعی دنبال کنیم بلکه برآنیم که:

بن مایه‌های تاریخی این آیین را کنکاش کنیم.

معنی لغوی چهارشنبه‌سوری

سور در معنای شادمانی/ رنگ سرخ/ بارو و شهر و با من بلند و حتی دیوار دور شهر آمده است.^(۱) اما به قطع یقین چهارشنبه‌سوری یعنی جشن و شادی و سرور در هر چهارشنبه‌ی آخر سال.

ریشه‌های تاریخی جشن چهارشنبه‌سوری

۱- در ایران قبل از اسلام در شب چهارشنبه‌سوری مردم از سه کپه‌ی آتش به نام‌های آسمان/ آذر/ آبان می‌پریدند که بعدها به هفت‌کپه افزایش یافت و به نام هفت امشاسپند^(۲) از روی آن می‌پریدند و پس از پایان آتش‌افروزی، خاکستر آن را جمع می‌کردند و از خانه بیرون می‌بردند و در کنار دیواری می‌ریختند.^(۳)

شاید به علت تقدس هفت امشاسپند در تفکر مردمان ایران زمین آجیل چهارشنبه‌سوری نیز از هفت نوع میوه خشک تهیه می‌گردد.

اما در مورد ریشه‌های جشن چهارشنبه‌سوری اخبار گوناگون در دست است که گهگاه از اطلاعات مکشوف از منابع گوناگون تضادهایی در مورد ایرانی یا غیرایرانی بودن این آیین می‌یابیم.

۲- عده‌ای بر این باورند پس از پیروزی اعراب بر ایرانیان/ ایرانیان بر پذیرش بسیاری از باورهای خود اصرار ورزیدند.

اعراب چهارشنبه را نحس می‌دانستند و ایرانیان جهت عدم پیروی از دستورات اعراب در نحسی این روز چهارشنبه آخر سال را جشن می‌گرفتند و به شادی می‌پرداختند.^(۴)





- می بوده که این واژه در اوستا امشه سپند آمده که از سه جزء تشکیل شده است جزء اول (ا) که برای نفی آمده است و به معنی نه / بدون می باشد جزء دوم (مشه) که به معنای مردن و نابود شدن است و جزء سوم (سپند) است و به معنی سود رسان و یا جاویدان سودرسان می باشد. که اینان تجلی صفات خداوند می باشند و عبارتند از
- ۱- سپنتامینو/روح مقدس در مقابل انگره مینو/روح خبیث
 - ۲- بهمن/اندیشه نیک در مقابل اکومن/اندیشه ناپاک
 - ۳- اردیبهشت/پاکی و بهترین راستی در مقابل اندر/ کفر و گمراهی
 - ۴- شهریور/تسلط بر نفس در مقابل شورو/دیو خودسری
 - ۵- سیندارمز/عشق و فروتنی در مقابل نانگ هه ئیتی/دیوغرور و خودپسندی
 - ۶- خرداد/ارسای و کمال در مقابل تاریخ/دیو تنگ دستی
 - ۷- امرداد/بی مرگی در مقابل زاریج/دیو مرگ و فساد محمدی حسین- جشن های ایران باستان- ۰۸۳۱- ص ۰۶۱.
 - ۳- رضایی- عبدالعظیم- اصل و نسب دین های ایران باستان- ص ۵۷۴
 - ۴- محمدی حسین- جشن های ایران باستان- ۰۸۳۱- ص ۱۶
 - ۵- شکور زاده ابراهیم- عقاید و رسوم مردم خراسان- نشر سروش- ۳۶۳۱- ص ۰۸
 - ۶- پور داوود ابراهیم- آناهیتا- به کوشش مرتضی گرگی - تهران- امیر کبیر- ۳۴۳۱- ص ۴۷
 - ۷- شاه نامه ی فردوسی- جلد سوم- ص ۲۵۵
 - ۸- محمدی حسین- جشن های ایران باستان- ۰۸۳۱- ص ۹۶
 - ۹- کاوه علی محمدی- گاه شماری و تاریخ گذاری از آغاز تا سرانجام- تهران- انتشارات بردار- ۳۷۳۱- ص ۴۲
 - ۰۱- طالبی طهماسب- جشن سده- روزنامه ی همشهری سال هفتم- شماره ی ۱۹۷۱- ص ۲۱ سال ۷۷۳۱/۲۱/۴۲
 - ۱۱- بهار مهرداد- جستاری چند در فرهنگ ایران- ص ۳۳۲
 - ۱۲- پورداوود ابراهیم- یسنا- ج ۱ ص ۵۲- بمبئی- بهمن ۲۱۳۱
 - ۱۳- تبریزی محمد حسین به خلف- برهان قاطع زیر نظر دکتر معین ج ۲ - تهران - انتشارات امیرکبیر ۲۶۳۱ ص ۲۷۵

ایران بروز نموده است. شاید حساسیت عرب به نحوست چهارشنبه/ تنفر ایرانیان از متجاوزین فشارهای شدید اعراب فاتح به ایرانیان/ تقدس آتش نزد ایرانیان به عنوان صفت بارز خدا (نور)/ جامعه کشاورز ایرانی و تنفر آنان از زمستان به علت مرگ کشاورزی و تعلق خاطر ایرانیان کشاورز به بهار به عنوان تولد کشت و زرع (که صد روز مانده به بهار جشنی با عنوان سده برپا می کردند تا سپاس پایان زمستان را به جای آورند)/ آشنایی ایرانیان با نحوه ی نام گذاری ایام هفته به سبک اعراب (شنبه، یکشنبه و...) دست به دست هم داد تا جشنی کوچکتر از سده که شاید تنها چون جشن سده خوشحالی از پایان چله ی بزرگ زمستان و آغاز زمین به نفس کشیدن و نوید پایان سرما و رسیدن بهار برای جامعه ی تمام کشاورز ایرانی نبود بلکه در کنار این مزیت سه شنبه شب منحوس را هم به نشان دهن کجی و اعتراض جشن می گرفتند.

اگر این گونه بیندیشیم این جشن یک مبارزه ی فرهنگی در دوران تسلط بر ایران است و این آیین یک نیایش به درگاه خدا (چون سده) و یک حرکت اعتراض آمیز به فاتحین عرب بوده است.

منابع در دفتر مجله موجود است.

- ۱- دهخدا- علی اکبر- لغت نامه ی دهخدا- ج ۵- ۷۷۳۱- ص ۹۷۹۷- ذیل کلمه چهار شنبه سوری
- ۲- امشاسپندان به معنای مقدسین جاویدان می باشد و مفرد آن امشاسپند

اسلامی به آن افزوده شد.

به چهارشنبه مربوط شدن و مراسم چهارشنبه سوری نوعی استفاده و نوعی نماد است و بدین ترتیب از یک سال به سال آینده کوچ می نماییم اما کیفیت اسطوره ی چهارشنبه سوری همان است که در جشن سده است انتظار می رود که سرما رخت بندد.^(۱)

با نگاهی به ریشه های جشن چهارشنبه سوری موضوعاً نمی توان به یک نتیجه ی واحدی دست یافت که تعاریف در این خصوص با هم متفاوت می نماید و در برخی تعاریف حتی ریشه ی ایرانی بودن این جشن هم مورد شک واقع می گردد.

قبل از بررسی ریشه های جشن آخرین سه شنبه شب آخر سال ابتدا می بایست واژه ی جشن را در ایران باستان کنکاش کنیم.

لغت جشن در فارسی از لغت یسن اوستایی به یادگار مانده است چون تمام اعیاد ایران باستان جنبه ی مذهبی داشته (جشن سده مهرگان و...) ایرانیان در این اوقات بیشتر به ستایش و نیایش خداوندگار می پرداختند و به عبارت دیگر (یزشنه) می کردند از این جهت روزهای متبرک را جشن خوانده اند.^(۲)

کلمه ی جشن به معنای ستایش و پرستش است و از مصدر یز اوستا به معنی پرستیدن و ستودن می آید و یسنا و یزد از همین ریشه است.^(۳)

جشن های ایران پیش از اسلام را می توان این گونه تقسیم کرد

- ۱- جشن های دینی مانند: گهنبار/ فروردگان
 - ۲- جشن هایی که از مصادف شدن نام روز و نام ماه عاید می گشت چنان که ابوریحان بیرونی می گوید: ((به هر ماهی آن روز که هم نامش باشد او را جشن دارند و به عنوان مثال تیرگان سیزدهم روز است از تیرماه و نامش تیر است همان ماه خویش))
 - ۳- جشن های عمومی و ملی که در سراسر ایران معمول بوده است چون نوروز، جشن سده و...
 - ۴- جشن های خانوادگی مانند جشن ویژه زنان/ جشن نام گذاری کودک/ جشن عروسی و...
 - ۵- جشن دیگر جشن های سیاسیگذاری از خداست به سبب تمام نعمت های در جهان چون سیر و سور/ آبریزان و...
 - ۶- جشن های محلی چون جشن مهرگان آغاز کشت/ پاشیدن بذر و ...
- در نگاهی به ریشه های جشن آخرین سه شنبه شب سال و تعریف جشن و تقسیم بندی آن می توان به این نتیجه دست یافت که ما در ایران قبل از اسلام جشنی با عنوان چهارشنبه سوری نداشته ایم و این مراسم از ترکیب باورهای ایرانی - عربی در اوایل دوره ی تسلط اعراب به

به دوستانتان عیدی بدهید

یک دوره اشتراک مجله گزارش فرم اشتراک صفحه ۱۵ را به نام دوستانتان تکمیل و ارسال کنید. ماهنامه این هدیه را به مدت یک سال به نشانی آنها پست خواهد کرد.

تلفن اشتراک ۸۸۸۳۳۷۸۱